

بررسی و تحلیل بنای میرآباد امامقلی؛

آتشکده‌ای نویافته از دوره ساسانی در ریگان-استان کرمان*

یعقوب محمدی فر^I، لیلا فاضل^{II}، اسماعیل همتی ازندریانی^{III}

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/nb.2021.22952.2236

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۲

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۹۳-۱۰۹

چکیده

حوزه تمدنی شرق که نواحی جنوب شرقی ایران را نیز شامل می‌شود، مناطقی با ابهامات تاریخی فراوان است. این کمی اطلاعات ایجاب می‌نماید تا با مطالعات میدانی بیشتر و معرفی آثار این خطه به شناخت بیشتری از این مناطق دست یابیم. ناحیه منظر فرهنگی بم در انتهای شرقی سرزمین کرمان و در حاشیه لوت جنوبی قرار دارد و شامل مناطق بم، نرماشیر، فهرج و ریگان است که در مرز کرمان با نواحی سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی گسترده شده‌اند. در راستای بررسی، شناسایی و مستندنگاری آثار تاریخی و قلاع ناحیه منظر فرهنگی بم در سال ۱۳۹۲، محوطه‌ای باستانی در مجاورت شمال روستای میرآباد امامقلی از توابع بخش مرکزی شهرستان ریگان شناسایی شد. مطالعات بیشتر حاکی از وجود بنایی با نقشه قابل توجه در محوطه بود. کاربری و تاریخ‌گذاری بنای میرآباد امامقلی مهم‌ترین پرسش‌های این پژوهش هستند و نگارندگان سعی بر آن دارند تا با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش پژوهش میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای به پرسش‌های مذکور پاسخ دهند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که بنای میرآباد امامقلی با دارا بودن فضای چهارگوش گنبددار مرکزی، آتشدانی در میان این فضا، چهار درگاهی در چهارسو و راهروی پیرامونی، آتشکده‌ای از دوره ساسانی، در انتهای شرقی سرزمین کرمان در جنوب-شرق ایران است. نقشه بنا قابل مقایسه با بناهایی هم‌چون: آتشکده کنار سیاه، آتشکده نگار و آتشکده شیان است. شکل آتشدان مطبق و مشابه نقش آتشدان‌های پشت سکه‌های ساسانی و قابل مقایسه با مواردی هم‌چون آتشدان ساسانی بن‌دیوان درگز و آتشدان سنگی گره‌سراست. این بنا از خشت‌های مربع با ابعاد ۴۰×۱۰ ساخته شده که با لایه‌ای ضخیم از کاهگل اندود شده‌اند. مصالح ساخت آتشدان نیز خشت بوده که سپس سطح آن را با لایه‌ای از گچ پوشانده‌اند. سفالینه‌های پراکنده در سطح محوطه همگی بدون لعاب و اغلب شامل قطعات ضخیم و شاموت کانی با اندازه درشت و تزئینات نقوش کنده موج، ناخنی و نقوش برجسته کمربندی است.

کلیدواژگان: معماری ساسانی، آتشکده، آتشدان، منظر فرهنگی بم، کرمان.

مقدمه

حوزه تمدنی شرق ایران که نواحی گوشه جنوب شرقی از جمله نواحی شرقی کرمان را نیز شامل می‌شود، منطقه‌ای با ابهامات تاریخی و باستان‌شناسی فراوان است. انتهای شرقی سرزمین کرمان شامل مناطق بم، نرماشیر، فهرج و ریگان در مرز کرمان با نواحی سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی واقع شده‌اند. این مناطق سرزمین‌هایی ناشناخته به‌شمار می‌روند که ضمن انتقال معماری ساسانی به آسیای مرکزی و نواحی شرقی‌تر، تأثیراتی نیز بر آن به‌جای گذاشته‌اند (روتز، ۱۳۸۷: ۶۴۱). در این نواحی، خطوط ارتباطی مهمی جریان داشته و این مناطق حلقه ارتباط مناطق داخلی فلات ایران با نواحی شرقی‌تر است. کرمان دنباله جغرافیایی فارس است؛ براساس آن چه در منابع آمده، «اردشیر» بعد از بسط قدرت خود در تمام فارس و کرمان، فرمان داد تا در گور (فیروزآباد)، قصر و آتشکده‌ای برپا کنند و یکی از پسران خود به نام «اردشیر» را حاکم کرمان کرد (کریستن‌سن، ۱۳۷۸: ۱۳۵). از این رو، تعداد قابل توجهی از بناهای مذهبی نیز در این سرزمین شکل گرفتند. مطالعات میدانی حاکی از وجود محوطه‌های باستانی وسیع و آثار و بناهای مهمی از دوره ساسانی در ناحیه شرق کرمان است. منابع جغرافیای تاریخی قرون اولیه اسلامی به وجود شهرهایی آباد در انتهای شرقی کرمان اشاره دارند؛ براساس این منابع، شهر بم بر دشت بم و شهرهای دازین، نسا، فهرج و ریگان و نرماشیر از نواحی کوره بم و از مناطق آبادان ناحیه شرق کرمان هستند که سپس، متون قرون میانه اسلامی (نامعلوم، ۲۵۳۵: ۲۴۸) و پس از آن به‌کرات منابع متأخر، از مجموع این مناطق با عنوان کلی «ولایت اربعه» و یا «دارالاربعه بم» یاد می‌کند. «اصطخری» از «ریقان» در ردیف شهرهای کرمان نام می‌برد (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۶۳).

مؤلف نامعلوم «حدودالعالم» در این باره می‌نویسد: «خاش و ریقان دو شهرکند میان سند و میان کرمان اندر بیابان نهاده» (نامعلوم، ۱۳۶۲: ۱۲۹). «ابن حوقل» درباره ریگان چنین می‌آورد: در حوالی جبال بارز ناحیه ریقان و شهر دهج و حومه قهستان ابی‌غانم قرار دارد (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۷۳-۷۴). ریگان، بارو دارد و مسجد جامعش در دروازه است. نخلستان و باغ زیاد دارد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۸۵). در بم‌نامه آمده است که «بهمن بن اسفندیار» بعد از اضمحلال خاندان رستم در راه بازگشت از سیستان بنای شهر ریگان را نهاد (وزیری، ۱۳۷۵: ۲۴۹).

در جریان مطالعات باستان‌شناسی ناحیه منظر فرهنگی بم بین سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ ه.ش. آثار فراوانی از دوره نوسنگی تا قرون متأخر اسلامی در شهرستان‌های فهرج و ریگان شناسایی و مطالعه شد. ۱۵ محوطه وسیع و ۱۵ اثر شاخص از دوره ساسانی و قرون اولیه اسلامی از جمله این آثار بود. شهر باستانی ریگان هم‌اکنون در روستای جزان خواست قرار دارد و بقایای ارگ آن در میان روستا و آثار حصارهای آن در نخلستان‌های اطراف روستا بجاست (مستوفی، ۱۳۵۱: ۳۴۹؛ فاضل، ۱۳۹۱-۱۳۹۴: ۱۱۹۲-۱۲۰۸). بنای میرآباد امامقلی از آثار نویافته بررسی‌های اخیر است که در ۱۶ کیلومتری شمال شهر باستانی ریگان موسوم به «جزان خواست» قرار دارد و دارای ویژگی‌های معماری مذهبی دوره ساسانی است؛ علاوه بر این، در ۷ کیلومتری شرق

آتشکده میرآباد امامقلی آثار شهری وسیع از دوره ساسانی، موسوم به «چاه ریگان»، گسترده است.

پرسش پژوهش: با استناد به شواهد باستان‌شناختی موجود، کاربری بنای میرآباد امامقلی چیست؟ براساس یافته‌های باستان‌شناختی بنای میرآباد امامقلی مربوط به کدام دوره تاریخی است؟

روش پژوهش: ماهیت این پژوهش بنیادی است و رویکرد آن توصیفی-تحلیلی می‌باشد. هم‌چنین روش گردآوری اطلاعات این پژوهش میدانی، شامل بررسی باستان‌شناسی و کتابخانه‌ای شامل مطالعه کتب مورخان و جغرافیانویسان، گزارش‌های باستان‌شناسی و... است.

پیشینه پژوهش

بیشترین مطالعات صورت‌گرفته با هدف شناخت جغرافیا، توسط گروه جغرافیایی دانشگاه تهران به سرپرستی «احمد مستوفی» است. نتایج این مطالعات در دو جلد منتشر شده است (مستوفی، ۱۳۴۸؛ مستوفی، ۱۳۵۱). در این مطالعات محورهای باستانی دشت لوت و به تبع آن، نواحی حاشیه دشت لوت با دقت تمام مطالعه شده است. تا پیش از سال ۱۳۹۲ ه.ش.، مطالعاتی منسجم با اهداف باستان‌شناسی در شهرستان ریگان صورت نگرفته بود. تنها در طرح جامع مدیریتی منظر فرهنگی بزم در ذیل آثار واقع در محدوده منظر فرهنگی آینده بزم به وجود چهار بنا و سه قنات در این شهرستان اشاره شده است (طرح جامع مدیریتی بزم و منظر فرهنگی آن، ۱۳۸۶: ۳۰). در راستای مطالعات باستان‌شناسی منظر فرهنگی بزم در سال ۱۳۹۲، بنای میرآباد امامقلی برای نخستین بار شناسایی شد (فاضل، ۱۳۹۴: ۱۳۲۱).

موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های زیست‌محیطی آن

ریگان در شرق استان کرمان و شهر محمدآباد مرکز این شهرستان در ۲۷۰ کیلومتری کرمان قرار دارد (تصویر ۱). این ناحیه به لحاظ جغرافیای طبیعی در حاشیه جنوبی دشت لوت گسترده است و دارای آب و هوای گرم و خشک، بارندگی نامنظم و اندک، اختلاف شدید دمای شب و روز، وزش بادهای تند و طوفان‌های شن است. آب‌های سطحی در قسمتی از منطقه که آثار مورد مطالعه نگارندگان واقع شده‌اند، رودخانه فصلی موسوم به کلی^۲ یا رودخانه بند نسا است که از ارتفاعات جبالبارز در شهرستان بزم سرچشمه می‌گیرد و پس از خروج از نواحی کوهستانی با نام «کلی» وارد دشت نرماشیر می‌شود (فرهنگ آبادی‌های استان کرمان، ۱۳۸۶: ۶۷). مهم‌ترین منابع تأمین آب منطقه، آب‌های زیرزمینی است که به صورت قنات از دیرباز تاکنون مورد استفاده بوده و تا سه دهه پیش ۱۴۴ قنات دایر هم‌چنان در این شهرستان جریان داشته است (همان: ۴۲). پوشش گیاهی منطقه در گذشته جنگل‌های انبوه با درختانی متنوع، به ویژه گز و کهور بوده، که به دلیل استفاده نادرست از منابع سوختی به پوششی تُنک تبدیل شده است^۳ (اسعدپوربهبزادی، ۱۳۷۲: ۴۷).



تصویر ۱. مکان‌نمایی شهرستان ریگان در استان کرمان (مرکز آمار ایران). ◀



تصویر ۲. مکان‌نمایی آتشکده میرآباد امام‌قلی و موقعیت آن نسبت به محوطه چاه ریگان و شهر قدیم ریگان (گزان خواست)، (مقیاس ۱:۲۵۰۰۰۰؛ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۸). ◀

محوطه میرآباد امامقلی در ۱۱ کیلومتری شمال شهر محمدآباد (مرکز شهرستان ریگان) و در مجاورت شمال شرق روستای میرآباد امامقلی، در مختصات 45.034 عرض شمالی، $58.59.426$ طول شرقی و ارتفاع ۶۰۰ متر از سطح آب‌های آزاد قرار دارد. بستر طبیعی قرارگیری آتشکده ریگزار و پوشش گیاهی محوطه بوته‌زار و دراندک فاصله‌ای از آن جنگلی نیمه انبوه از درختان گزو کهور است. در روستای میرآباد نخلستان‌های وسیع به همراه درختان مرکبات گسترده است. منبع آب روستا تا گذشته‌ای نَه‌چندان دور، قناتی پُر آب بوده که هم‌اکنون خشکیده است. رودخانه بند نسا از جنوب غرب به شمال شرق جریان دارد. شاخه‌ای از این رودخانه از ۱۰۰۰ متری شمال و شاخه دیگر با فاصله‌ای مشابه از جنوب محوطه آتشکده عبور می‌کند (تصویر ۲).

توصیف بنای میرآباد امامقلی

بخش اصلی بنا هم‌اکنون در سطحی پایین‌تر از سطح زمین‌های اطراف قرار داشته و از دور قابل رؤیت نیست. پوشش این بنا به طور کلی فرو ریخته است. بقایای الحاقات بنا نیز به صورت برجستگی‌هایی در اطراف آن دیده می‌شود (تصاویر ۳ و ۴). بخش اصلی بنا بدون در نظر گرفتن الحاقات آن بنایی مستطیل شکل با ابعاد



► تصویر ۳. دورنمای آتشکده میرآباد امامقلی (نگارندگان، ۱۳۹۹).



► تصویر ۴. مکان نمایی آتشکده میرآباد امامقلی (بنای بالا) و بنای وابسته به آن بر تصویر هوایی (بنای پایین)، (Fazel & Mohammadifar, 2019: 4, Fig. 3).

۱۳×۱۷/۴۰ متر است. نقشه این قسمت شامل اتاق مربع (چلیپا) مرکزی متشکل از چهار جرز قطور، با چهار درگاهی (قوس) در چهارسو و راهروی سراسری پیرامون آن است. ابعاد اتاق مرکزی ۴×۴ متر است و آتشدانی در میان آن قرار دارد. عمق درگاهی‌ها (بازوی چلیپا) از سه سو ۲/۱۰ متر و از سوی شمال ۳/۳۰ متر است. عرض راهروی پیرامونی از سه سو تقریباً ۱/۳۰ متر و از سوی شمال ۳/۲۵ متر است (تصویر ۵). این راهرو با درگاهی‌هایی در هر ضلع به فضای بیرون و فضاهای پیرامون بنا راه می‌یابد (تصویر ۴). محور بنا دارای زاویه‌ای به سوی غرب است. این بنا دارای الحاقاتی از هر سو به نظر می‌رسد. بقایای اتاقی با ابعاد باقی مانده ۵/۴۰×۳/۱۰ در ضلع غربی و بقایای اتاقی دیگر با ابعاد ۳×۳/۳ در ضلع جنوبی بجاست.



تصویر ۵. بقایای راهرو در ضلع شرقی آتشکده (نگارندگان، ۱۳۹۹).

قسمت بالای آتشدان به صورت مکعبی با ابعاد ۱/۶×۱/۶ متر است و از حداقل چهار ردیف مطابق پله‌ای شکل تشکیل شده است. ارتفاع ردیف اول ۳۰ سانتی‌متر است. بیشترین ارتفاع قابل مشاهده از بنا، در ضلع شرقی آن و حدود ۱/۶ متر است. در ارتفاع باقی مانده، خیز (محل پاکار طاق) درگاهی ضلع شرقی اتاق مرکزی دیده می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد قسمت عمده بنا تا خیز قوس درگاهی‌ها پوشیده از آوار و شن است. مجمر آتشدان نیز در زیر آوار پنهان است. در گوشه‌ای از سطح آتشدان حفره‌ای تعبیه شده است (تصاویر ۶، ۷، ۸ و ۹).

مصالح ساخت بنا

اگرچه مصالح ساخت در اغلب بناهای ساسانی سنگ و گچ و سنگ و ساروج است، اما در اینجا با توجه به موقعیت طبیعی آن، از مصالح بوم‌آورد استفاده شده است. مصالح ساخت بنا به طور کلی خشت‌هایی به ابعاد ۴۰×۴۰×۱۰ سانتی‌متر است. دیواره داخلی بنا با اندودی از کاهگل به ضخامت حدود ۳ سانتی‌متر پوشیده شده است. قسمت نمایان آتشدان از خشت‌های با ابعاد بزرگ و یا چینه است که سپس



► تصویر ۶. نمای ضلع شرقی بخش مرکزی آتشکده میرآباد امامقلی (نگارندگان، ۱۳۹۹).



► تصویر ۷. آتشدان آتشکده میرآباد (نگارندگان، ۱۳۹۹).



► تصویر ۸. حفره گوشه آتشدان میرآباد امامقلی (نگارندگان، ۱۳۹۹).

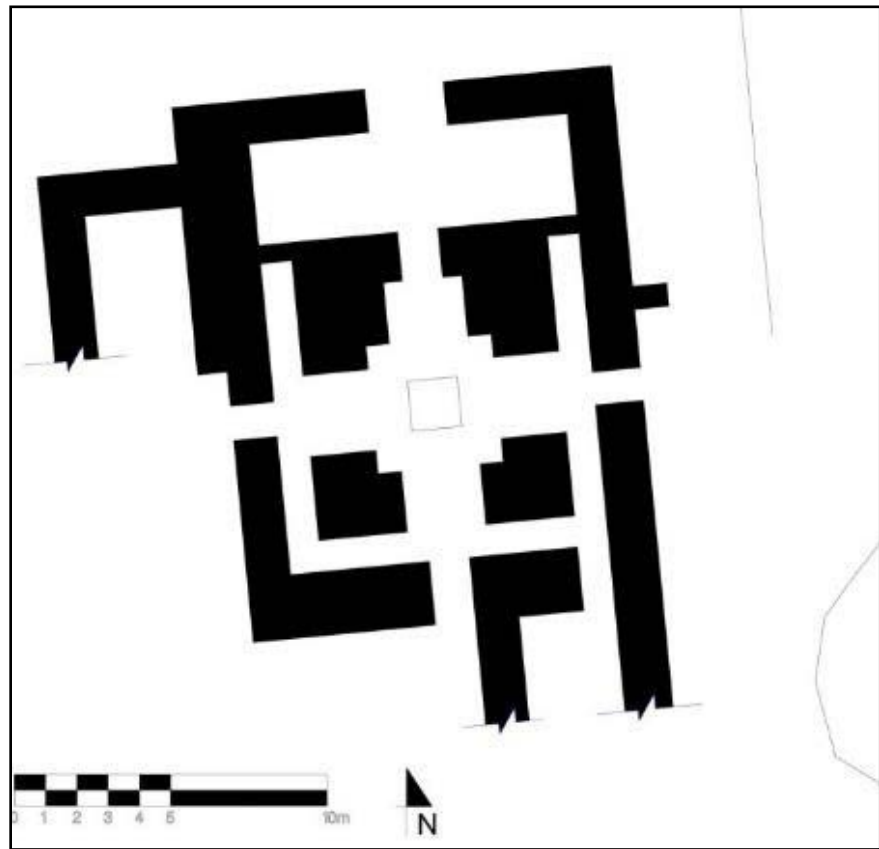


تصویر ۹. آتشدان آتشکده میرآباد امامقلی (نگارندگان، ۱۳۹۹).

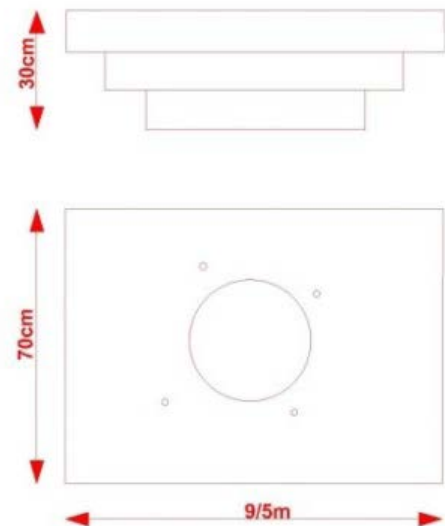
لایه‌ای ضخیم از اندود گچ سطح آن را می‌پوشاند. خشت‌هایی با این ابعاد و ابعاد نسبتاً مشابه در برخی بناهای ساسانی از جمله در ساخت دیوار دفاعی گرگان (Kiani, 1982: 75) و در ساخت بناهای کوه‌خواجه سیستان (طبسی، ۱۳۸۴: ۵۶)، دیده می‌شود؛ هم‌چنین مصالح ساخت قلعه ساسانی ویگل خشت‌هایی با ابعاد مشابه است (جاوری، ۱۳۹۴: ۸۵). در ساخت سایر بناهای نو یافته ساسانی در مطالعات اخیر در منطقه از جمله بناهای خشتی محوطه چاه ریگان، قلات اسلام‌آباد و قلات ده‌شهیک، از خشت‌هایی با ابعاد مشابه استفاده شده است (فاضل و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۸-۵۶). ابعاد خشت‌های به‌کار رفته در ساخت بنا، غالباً در بناهای دوران تاریخی کاربرد داشته است (ابوالقاسمی، ۱۳۹۴: ۳۸۱)؛ با این حال ابعاد خشت، در کنار سایر ویژگی‌های معماری می‌تواند به تاریخ‌گذاری بنا کمک کند.

کاربری بنا

نقشه این بنا به دلیل داشتن فضای مربع مرکزی (آدریان)؟، راهروی پیرامونی و الحاقات (تصاویر ۴ و ۱۰)، قابل مقایسه با بناهایی چون آتشکده تخت سلیمان (هرمان، ۱۳۷۳: ۱۲۸)، آتشکده کنار سیاه در فیروزآباد و در یک منزلی شهر اردشیرخره، آتشکده تل جنگی، آتشکده خرما یک در فراشبند (Vondenber, 1961: plan II, III, IV) و سپس آتشکده نگار کرمان (بزنوال، ۱۳۷۹: ۴۵۸؛ نقشه a)، آتشکده جولیان (محمدی‌فر و مترجم، ۱۳۹۰: ۷۹)، آتشکده میل میله‌گه، آتشکده شیان (مرادی، ۱۳۸۸: ۱۷۹ و ۱۸۰)، آتشکده پلنگ‌گرد (Khosravi et al., 2018)، آتشکده ویگل (جاوری، ۱۳۹۴: نقشه ۵)، چارطاقی خانه دیو (هاشمی زرج‌آباد و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۱)، آتشکده کلک‌تمرخو (یوسف‌وند و میری، ۱۳۹۸: ۱۳۶) از دوره ساسانی است (تصویر ۱۲، جدول ۱). این آتشکده از نوع چهارطاقی‌های منفرد نیست و چنان‌چه تصاویر هوایی نشان می‌دهد، این چهارطاقی بخشی از یک مجموعه بزرگ‌تر و شاید هسته اصلی آن باشد. براساس شواهد مقدماتی، این آتشکده از ساختار پیچیده‌ای هم‌چون مجموعه تخت سلیمان برخوردار نیست و به نظر می‌رسد آتشی در درجه اهمیت پایین‌تر از آتش بهرام، یعنی آتش آدران در آن می‌سوخته است. قرار نداشتن بنا در محور شمالی-جنوبی را شاید بتوان ناشی از اندیشه ورود اهریمن از جهت شمال دانست که موجب می‌گردید تا بناهای مذهبی زرتشتیان همیشه دارای انحرافی نسبت به محور شمال باشد (غنیمتی و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۷). علاوه بر نقشه بنا، وجود آتشدانی در فضای مرکزی، اثبات کاربری این بنا بیش از پیش محرز می‌سازد. حفره تعبیه شده در گوشه آتشدان، احتمالاً جهت ریختن



► تصویر ۱۰. آتشکدهٔ میرآباد امامقلی (نگارندگان، ۱۳۹۹).



▲ تصویر ۱۱. سر آتشدان سنگی فئات باغ که گره‌سر نامیده می‌شود (فاضل، ۱۳۸۶: طرح ۱۸؛ ۸، تصویر ۲۰۴).

روغن یا مواد معطر دیگر بوده است (تصویر ۱۶). در نسکی از اوستای ساسانی در باب مراسم نیایش آتش آمده است: آتشکده آکنده از بوی گُندرو مواد معطر بود (کریستن‌سن، ۱۳۷۸: ۲۳۷). در آتشدان سنگی گره‌سر نیز در اطراف مجمر چهار حفره تعبیه شده که احتمالاً محل درپوش و یا جهت ریختن مواد معطر بوده است (تصویر

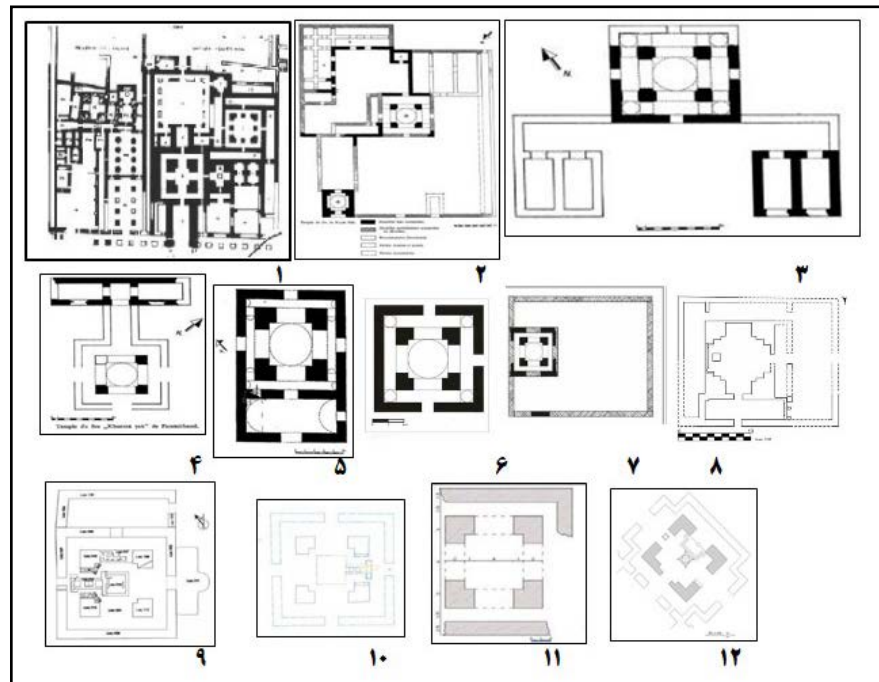
جدول ۱. مشخصات بناهای قابل مقایسه با بنای میرآباد امامقلی (نگارندگان، ۱۳۹۹).

آتشکده‌های قابل مقایسه												ویژگی‌های معماری	بنای میرآباد امامقلی	
ویگل	چولیان	میل میلگه	شبیان	کلک نمرخو	موک	ظهر شیر	نگار	خرمایک	تل جنگی	کنار سپاه	آتشکده تخت سلیمان			
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	پلان چلیپایی	
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	دلان پیرامونی	
✓	؟	✓	✓	✓	؟	؟	؟	؟	؟	؟	✓	✓	آتشدان	
؟	؟	؟	✓	؟	✓	؟	؟	✓	✓	✓	✓	✓	الحاقاتی در پیرامون	
✓	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	استفاده از مصالح خشت و گل	

۱۷). سطح آتشدان میرآباد امامقلی تقریباً هم سطح با پا کار (خیز) قوس ضلع شرقی است. این موضوع نشان می‌دهد که آتشدان مزبور احتمالاً دارای بدنه‌ای بلند و از نوع ستونی می‌باشد، اما شکل دقیق بدنه و پایه آتشدان (آدوشت) به دلیل انبوه آوار هم‌اکنون بر ما پوشیده است؛ با این حال، بخش مطابق آتشدان بنا، مشابه آتشدان‌های روی سکه‌های ساسانی است که نمونه‌هایی از آن در پشت سکه‌های نخستین دوره ساسانی از دوره اردشیر اول قابل رؤیت است (امینی، ۱۳۸۵: ۹۷). نیز مشابه آتشدان سنگی گره‌سر در فارس (Vondenberg, 1961: 34)، (تصویر ۱۱) و آتشکده ساسانی بندیان درگز (Rahbar, 1999: 63) است. طی بررسی‌های استان فارس و نیز سواحل خلیج فارس نمونه‌هایی دیگر از آتشدان‌ها گزارش شده است (عسکری‌چاوردی، ۱۳۸۹: ۳۰، تصویر ۷؛ توفیقیان، ۱۳۹۶).

بخش تحتانی و فوقانی آتشدان‌های ساسانی به صورت سه پله است؛ این پله‌های سه‌گانه بازتابی از اعتقاد به پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک است (همان: ۲۰۵). براساس بندهشن (آفرینش‌آغازین)، سه آتش بزرگ دولتی وجود داشت که به ترتیب متعلق به روحانیون، جنگاوران و کشاورزان بود (شیپمن، ۱۳۹۰: ۱۱۲). در این آتشکده‌ها آتش بهرام همواره فروزان بود. در آتشکده‌های محلی، آتش آدران با شعله‌ای ملایم می‌سوخت (بویس، ۱۳۴۸: ۱۵۷). بسیاری از آتشکده‌های درجه دوم هم مورد احترام بوده‌اند؛ به‌ویژه آن‌ها که به یکی از پهلوانان داستانی زرتشت نسبت داشت، مانند آتشکده کرکویه در سیستان (کریستن‌سن، ۱۳۷۸: ۲۴۵). در تقسیم‌بندی که «گروپ» از آتشکده‌های کهن پیشنهاد می‌کند به بناهایی موسوم به «آگیار» اشاره داشته که نقشه آن عبارتست از اتاق مربع‌شکل گنبددار

► تصویر ۱۲. نمونه‌ای از بناهای قابل مقایسه با بنای میرآباد امامقلی: ۱: آتشکده تخت سلیمان (بزئوال، ۱۳۷۹: ۴۵۱؛ نقشه a). ۲: آتشکده کنارسیاه. ۳: آتشکده تل جنگی فراشبند. ۴: آتشکده خرمايک فراشبند (Vondenberg, 1961: plan II, III, IV). ۵: آتشکده نگار (بزئوال، ۱۳۷۹: ۴۵۸؛ نقشه a). ۶: آتشکده زهرشیر. ۷: آتشکده موک (Huff, 1974: 251 & 245). ۸: آتشکده کلک‌تمرخو (یوسف‌وند و میری، ۱۳۹۸: تصویر ۷). ۹: آتشکده شیان. ۱۰: آتشکده میل‌میلگه (مرادی، ۱۳۸۸: نقشه ۶ و ۷). ۱۱: آتشکده جولیان (محمدی‌فر و مترجم، ۱۳۹۰: پلان ۱). ۱۲: آتشکده ویگل (جاوری، ۱۳۹۴: نقشه ۵).



موسوم به «آدریان» که توسط راهرویی احاطه می‌شود. در یک سمتی از آدریان فضایی موسوم به «یزشن‌گاه» قرار دارد که بی‌واسطه یا با واسطه راهرویی به فضای آدریان راه می‌یابد (Gropp, 1969: 166-173). «هوف» بناهای مذهبی ساسانی را به چند گروه تقسیم می‌کند که عبارتند از: چهارطاق گنبدار با راهرویی مسقف در اطراف، بناهای دیگری با طرح ذکر شده و فضاهایی با کارکرد مختلف در پیرامون آن و نوع دیگر، چهارطاقی با دهانه گشوده به اطراف و قابل رؤیت از همه سو (هوف، ۱۳۶۶: ۴۰۲-۴۰۱). براساس مطالعات صورت‌گرفته می‌توان گفت که بنای آتشکده در دوره ساسانی، در مجموع شامل یک جایگاه مقدس گنبدار و چهارگوش و راهروهای احاطه‌کننده در پیرامون بوده است (روتر، ۱۳۸۷: ۶۹۷). البته اضافات دیگری نیز پیرامون آن وجود داشت و غالباً باغی نیز داشت (کریستن‌سن، ۱۳۷۸: ۲۴۵)؛ اگرچه کشفیات باستان‌شناسی به لحاظ وجود آتشکده‌ها غنی است؛ با این حال، گونه‌شناسی بناهای مذهبی ساسانی هم‌چنان از مسائل مورد مناقشه جدی بوده است (روتر، ۱۳۸۷: ۶۴۰). بنای میرآباد امامقلی نیز می‌تواند به مجموعه بناهای مذهبی شناخته شده از دوره ساسانی بپیوندد و در مطالعه معماری مذهبی این دوره مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

آتشکده میرآباد امامقلی بخشی از یک مجموعه وسیع است که آثار و بقایای آن در اطراف و به‌ویژه از طریق تصاویر هوایی قابل تشخیص است. شاخص‌ترین این بناها در فاصله‌ای اندک از جنوب‌غربی آتشکده دیده می‌شود. بقایای این بنا هم‌اکنون بر سطح تپه‌ای با ارتفاع حدود ۵ متر از سطح زمین‌های اطراف بجاست. نقشه بنا به صورت مستطیلی با ابعاد ۴۱×۳۱ متر است. نقشه داخلی بنا به درستی معلوم نیست، اما می‌توان وجود یک حیاط مرکزی با فضاهایی در اطراف آن را به‌زحمت حدس زد. بنای مزبور احتمالاً قلعه یا کاروانسرا و مکانی اقامتی بوده است. چنان‌چه

هم‌اکنون نیز در کنار مکان‌های مهم مذهبی فضاهایی برای اقامت زائرین و نگهداران مجموعه در نظر گرفته می‌شود. رشته‌ای قنات بایراز غرب بنا عبور می‌کند و وجود بستانی در اطراف آن محتمل است.

سفالینه

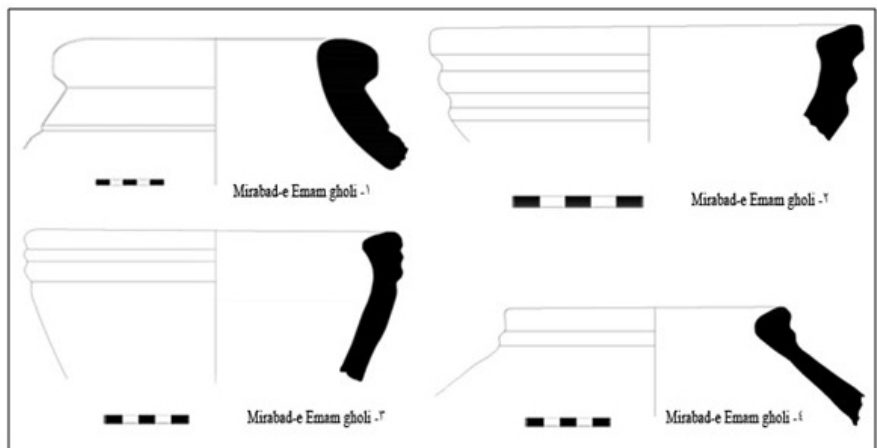
سفالینه‌های پراکنده در سطح محوطه آتشکده میرآباد همگی بدون لعاب و از نوع ساده و چرخ‌ساز هستند. این قطعات از ویژگی‌های کلی سفالینه‌های ساسانی تبعیت می‌کند. قطعات اغلب ضخیم و مربوط به ظروف متوسط و بزرگ و دارای خمیره‌ای به رنگ: نخودی، نارنجی، آجری، قرمز و به ندرت خاکستری است. آمیزه این قطعات اغلب مواد کانی و گاهی همراه با مواد آلی است که در قطعات بزرگ با اندازه درشت و تراکم بالا سنگینی خاصی به سفال بخشیده است و تزئینات شامل نقوش کنده موج، ناخنی، افقی و نقوش برجسته کمربندی است. «واندنبرگ» معتقد است که سفال ساسانی بیشتر کاربردی معمولی داشته و اغلب شامل ظروف آشپزخانه، کوزه‌های آب، خمره برای نگهداری مواد غذایی و تنگ‌های گردن بلند و کوتاه به تقلید از ظروف فلزی این دوره است؛ ظروف سفالی ساسانی دارای گردنی کوتاه و کشیده هستند که به صورت قائم بر گردن قرار گرفته و ضخیم و تخت است (توحیدی، ۱۳۸۷: ۱۸۹-۱۹۰). تزئینات ظروف شامل نقوش کنده هندسی: دایره، نقوش کنده ناخنی، موج و زیگزاک و افقی و نقوش برجسته افقی کمربندی است. شکل ظروف اغلب خمره، کوزه و سبو است. شیوه سفال‌سازی عهد ساسانیان ادامه سنت دوره اشکانی است و تفاوت آن در تولید سفال خاکستری است که در این دوره به ندرت دیده می‌شود (کیانی، ۱۳۷۹: ۲۲). ویژگی‌های ذکر شده برای سفالینه‌های ساسانی را می‌توان در قطعات سفالی پراکنده در سطح محوطه میرآباد، دید. شکل ظروف اغلب خمره، کوزه و کاسه است (تصاویر ۱۳ و ۱۴، جدول ۲).

نتیجه‌گیری

نقشه بنای میرآباد امامقلی شامل فضای مربع مرکزی با چهار درگاه در چهار سو (چارطاقی) و راهروی پیرامونی قابل مقایسه با بناهای مذهبی شناخته شده از دوره ساسانی است، به ویژه وجود آتشدانی در بخش مرکزی بنا که در ارتباط با کاربری بنا می‌باشد تأکیدی دوباره بر شیوه معماری مذهبی در این دوره است. با توجه به محدود و معلوم بودن آتشکده‌هایی که آتش بهرام در آن‌ها نگهداری می‌شد به نظر می‌رسد که آتشی در درجه اهمیت پایین‌تر از آتش بهرام، یعنی آتش آدران یا آتش محلی در این مکان نگهداری می‌شده است. براساس نمونه‌های موجود سطح مطابق پایه آتشدان بنا مشابه نمونه بندیان درگز است. این موضوع نشان می‌دهد که برخلاف پایه آتشدان‌های سنگی تخت سلیمان، کوه خواجه و آتشکده بلخ، این آتشکده دارای پایه آتشدان خستی و گچی مشابه بندیان و مله هرم بوده است. با توجه به اهمیت بنا و ضرورت



► تصویر ۱۳. نمونه سفالینه‌های ساسانی محوطه آتشکده میرآباد امامقلی (نگارندگان، ۱۳۹۹).



► تصویر ۱۴. طرح نمونه سفالینه‌های پراکنده در محوطه میرآباد امامقلی (نگارندگان، ۱۳۹۹).

حفاظت و نگهداری از بنا نگارنده امیدوار است تا ضمن کاوش بنا امکان مرمت و حفاظت از آن نیز فراهم آید.

پی‌نوشت

۱. مقدسی برخلاف غالب منابع هم‌زمان نرماشیر را کوره‌ای جدا از ولایت بم می‌داند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۸۱).
2. Kali
۳. «فیروزمیرزا فرمانفرما» در شرح سفر خود به ریگان در اواخر دوره قاجار، جنگل‌های انبوه ریگان را به جنگل‌های کلاردشت در شمال تشبیه می‌کند (فیروزمیرزا، ۱۳۷۹).

جدول ۲. مشخصات سفال‌های محوطه میرآباد امامقلی (نگارندگان، ۱۳۹۹).

طرح	مکان	رنگ خمیره	پوشش بیرونی	پوشش درونی	چسباننده / اندازه/ تراکم	پخت	مشخصات دیگر و تزیینات	توضیحات	منابع مقایسه
۱	آتشکده میرآباد امامقلی	قرمز	نخودی	گلی غلیظ	کانی / درشت / زیاد	کافی	نوار برجسته افقی و نقوش کنده موج و ناخنی زیر لبه		محمدی فر و طهماسبی، ۱۳۹۳: تصویر ۶
۲	آتشکده میرآباد امامقلی	نارنجی	نخودی	نخودی	کانی / متوسط / زیاد	کافی	نوار برجسته و فرو رفته افقی به دور لبه	قطعات سفالی با نوارهای برجسته و تو رفته افقی به فراوانی در محوطه‌های ساسانی فارس دیده می‌شود	امیری و دیگران، ۱۳۹۱: تصویر ۱۴ طرح ۱۶ و ۱۹ نیکنامی و فاضل، لوح ۷ طرح ۱۰ و ۱۵
۳	آتشکده میرآباد امامقلی	نارنجی	قهوه‌ای-قرمز	گلی غلیظ	کانی / متوسط / زیاد	کافی	نوار برجسته و فرو رفته افقی به دور لبه		Northedge & Fulkner, 1987: fig.10, 31
۴	آتشکده میرآباد امامقلی	نخودی	نخودی	نخودی	کانی / متوسط / زیاد	کافی	-		Lecomte, 1987: pl. 46.9

کتابنامه

- ابن حوقل، ۱۳۶۶، ایران در صورة الارض (سفر نامه ابن حوقل). به کوشش: جعفرشعار، تهران: امیرکبیر.
- اسعدپوربهبزادی، زهرا، ۱۳۷۲، کیمیاى ناسوت. تهران: مؤلف.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، ۱۳۷۳، مسالک و الممالک، ترجمه محمد بن عبدالله تستری، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- امیری، مصیب؛ موسوی کوهپیر، مهدی؛ و خادمی ندوشن، فرهنگ، ۱۳۹۱، «طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های ساسانی-اسلامی بیسپور؛ مطالعه موردی: سفال‌های فصل نهم کاوش». مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۴، شماره ۱، صص: ۳۲-۱.
- آزاد، میترا، ۱۳۸۴، «بررسی تحول بناهای مذهبی دوره ساسانی به بناهای مذهبی قرون اولیه اسلامی». رساله دکتری پژوهش هنر، به راهنمایی: محمدرضا پورجعفر، تهران: دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- بزنیوال، رولان، ۱۳۷۹، فن آوری طاق در خاور کهن. ترجمه محسن حبیبی، تهران: انتشارات میراث فرهنگی.
- بویس، مری، ۱۳۸۴، دیانت زرتشتی در دوران متأخر. ترجمه فریدون وهمن، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- توحیدی، فائق، ۱۳۸۶، فن و هنر سفالگری. تهران: سمت.
- توفیقیان، حسین، ۱۳۹۶، «پژوهشی در پایه‌آتشدان‌های ساسانی نویافته در سواحل خلیج فارس». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۱۲، دوره ۷، صص: ۱۹۵-۲۱۰.

- جاوری، محسن، ۱۳۹۴، «آتشکده محوطه ویگل و هراسکان». پژوهشنامه کاشان، شماره ششم (پیاپی ۱۴)، صص: ۷۸-۹۷.
- روتر، اسکار، ۱۳۸۷، «تاریخچه معماری دوره ساسانی». در: بررسی هنر ایران، به‌کوشش: آرتور ایهام پوپ و فیلیس اکرم، تهران: علمی فرهنگی، صص: ۶۳۹-۷۱۰.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۶، فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان کرمان-شهرستان بم. ج ۴، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و دفتر منطقه‌ای یونسکو در تهران با حمایت صندوق امانی ژاپن نزد یونسکو برای میراث فرهنگی، ۱۳۸۶، اثر میراث جهانی بم و منظر فرهنگی آن - طرح جامع مدیریتی (۲۰۰۸-۲۰۱۷). تهران.
- شیپمن، کلاوس، ۱۳۹۰، مبانی تاریخ ساسانیان. تهران: فرزاد.
- طبسی، محسن، ۱۳۸۴، «ارائه ترکیب بهینه برای استحکام بخشی خشت‌های مصرفی در مرمت بناهای تاریخی کوه‌خواجه سیستان». نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۳، صص: ۵۳-۵۸.
- عسکری‌چاوردی، علیرضا، ۱۳۸۹، «مدارکی از جنوب فارس در زمینه تکریم آتش در ایران باستان». باستان‌شناسی و تاریخ، سال ۲۵، شماره ۱، شماره پیاپی ۴۹، صص: ۲۷-۳۹.
- فاضل، لیلا، ۱۳۸۶، «بررسی باستان‌شناختی محور بیشاپور- فیروآباد در دوره ساسانی». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، به‌راهنمایی: کمال‌الدین نیکنما، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- فاضل، لیلا، ۱۳۹۴، مطالعات باستان‌شناسی منظر فرهنگی بم، بررسی مقدماتی قلاع موجود در منظر و محور فرهنگی بم (۱۳۹۱-۱۳۹۴). زیر نظر: شهریار عدل، مرکز اسناد پایگاه میراث جهانی بم و منظر فرهنگی آن.
- فاضل، لیلا؛ مهری‌نژاد، فرخ؛ قمری، مسعود؛ ابراهیمی، افشین؛ و شیخ، محمد، ۱۳۹۶، «خط سیرهای باستانی و سیمای تاریخی بخش نگین کویرفهرج (منظر فرهنگی بم)». مطالعات ایران‌شناسی، سال ۳، شماره ۵، بنیاد ایران‌شناسی، صص: ۲۷-۷۱.
- فیروزمیرزا فرمانفرما، ۱۳۷۹، سفرنامه کرمان و بلوچستان. به‌کوشش: منصوره اتحادیه و سعاد پیرا، تهران: نشر تاریخ ایران.
- کیانی، محمدحسین، ۱۳۷۹، پیشینه سفال و سفالگری در ایران. تهران: نسیم دانش.
- کریستن‌سن، آرتور، ۱۳۷۸، ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی، تهران: صدای معاصر.
- لطیف، ابوالقاسمی، ۱۳۹۴، «هنجار شکل یابی معماری اسلامی ایران». در: مجموعه مقالات معماری ایران دوره اسلامی، به‌کوشش: محمدیوسف کیانی، تهران، سمت.
- محمدی‌فر، یعقوب؛ و طهماسبی، الناز، ۱۳۹۳، «طبقه‌بندی سفال ساسانی

- دره سیمره، مطالعه موردی: قلعه سمیرم شاه». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۷، دوره ۴، صص: ۱۳۳-۱۵۲.
- محمدی‌فر، یعقوب؛ و مترجم، عباس، ۱۳۹۰، «جولیان: آتشکده نو یافته ساسانی در آبدانان». باغ‌نظر، شماره ۱۹، سال ۸، صص: ۷۷-۸۸.
- مرادی، بیوسف، ۱۳۸۸، «چهارتاقی میل میله‌گه؛ آتشکده‌ای از دوره ساسانی». مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۱، شماره ۱، صص: ۱۵۵-۱۸۳.
- مستوفی، احمد، ۱۳۴۸، گزارش‌های جغرافیایی لوت زنگی احمد. تهران: مؤسسه مطالعات جغرافیایی دانشگاه تهران.
- مستوفی، احمد، ۱۳۵۱، مطالعات جغرافیایی دشت لوت. تهران: مؤسسه مطالعات جغرافیایی دانشگاه تهران.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، ۱۳۶۱، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم. ترجمه علینقی منزوی، ج ۲، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- موسوی، محمود؛ صالحی، نصرالله؛ نصرالله‌زاده، سیروس؛ غنیمتی، سرور؛ تبریزی‌نیا تبریزی، مجتبی، ۱۳۸۲، «کوه‌خواجه مهم‌ترین پرستشگاه زرتشتیان سیستان». کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۶۶ و ۶۷، صص: ۶-۲۰.
- نامعلوم، ۱۳۶۲، حدودالعالم من المشرق الی المغرب. به‌کوشش: منوچهر ستوده، زبان و فرهنگ ایران.
- وزیری، احمدعلی‌خان، ۱۳۷۵، تاریخ کرمان. تهران: انتشارات علمی.
- هاشمی‌زرچ‌آباد، حسن؛ خادمی‌ندوشن، فرهنگ؛ موسوی‌کوهپیر، سید مهدی؛ و نیستانی، جواد، ۱۳۸۹، «چارطاقی خانه دیو، آتشکده‌ای نو یافته از دوره ساسانی». باغ‌نظر، شماره ۱۵، سال ۷، صص: ۷۹-۹۲.
- هوف، دیتریش، ۱۳۶۶، «فیروزآباد». ترجمه کرامت‌الله افسر، مجموعه مقالات شهرهای ایران، به‌کوشش: محمدیوسف کیانی، ج ۲، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صص: ۷۵-۱۱۸.
- یوسف‌وند، یونس؛ و میری، فرشاد، ۱۳۹۸، «کلک تمرخو؛ چارطاقی نو یافته از دوره ساسانی در غرب لرستان (طرحان)». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۲۱، دوره ۹، صص: ۱۳۱-۱۵۰.

- Azarnoush, M., 1994, *The Sasanian Manor House at Hajiabad, Iran*. Firenze, Le Lettere Coll. Monografie di Mesopotamia.

- Fazel, L. & Mohammadifar, Y., 2019, "Mirabad-e Emam Qoli Monument: A Newly-Discovered Sassanid-Era Fire Temple in Southeastern Iran". *Antiquity*, Vol. 93(467), Pp: 1-5

- Gropp, G., 1969, "Die function des feuertempels der Zoroaster". *Aminf*, No. 2, Pp: 166-173

- Huff, D., 1974, "Sasanian Char-Taghs in Fars. In: Proceedings of the IIRD Annual Symposium on Archaeological Research in Iran". *Muzeh-e Iran-e Bastan*, Tehran-Iran 2nd 7th November, Pp: 227-248

- Karlovsky, L., 1970, *Excavation at Tepe Yahya-Iran(1967-1969)*. Progress Report I, Cambridge Massachusetts.

- Khosravi, Sh.; Alibaigi, S. & Rahbar, M., 2018, "The Function of Gypsum bases in Sasanian Fire Temple: a Different Proposal". *Iranica Antiqua*, No. 53, Pp: 171-202.
- Kiani, M. Y., 1982, "Excavation on the Defensive Wall of the Gurgan Plain: A Preliminary Report". *Iran*, Vol. 20, Pp: 73-79.
- Lecomte, O., 1987. *La Ceramique Sasanian in Fouilles de Tureng Tepe sous la direction de jean Deshayes 1. Les periods Sassanides et Islamiques*, par R. Boucharlat et O. Lecomte, Paris, Edition Recherche Sur Les Civilisation.
- Northedge, A. & Falkner, R., 1987, "The 1986 Survey Season at Samarra". *Iraq*, Vol. 39, Pp: 143-173
- Rahbar, M., 1999, "A Dargaz (Khorassan): découvertes de p anneaux de stucs Sassanides". *Dossiers d'Archéologie*, No. 243, Pp: 62-65.
- Vanden Berghe, L., 1961, "Recntes Decouvertes de mounuments Sassanides dans Le Fars". *Iranica Antiqua*, No. 1, Pp: 163-200.
- Whitcomb, D., 1984, *Qasri-Abunaser, Old Shiraz, Arabica Orientale, Mesopotamia et Iran Meridional de Larg du far andedebat dela period Islamique*. Ed, Recherche sules civilization, Paris.